

فصلنامه علمی - پژوهشی **رهافت**

سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۴

صفحه ۸۹ تا ۱۱۰

تجزیه و تحلیل جایگاه اقتصاد مقاومتی در تحقق گفتمان الگوی

اسلامی - ایرانی پیشرفت و چشم انداز افق ۱۴۰۴

سیدجواد امام جمعه زاده / دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

سیدزکریا محمودی رجا / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

S.z.mahmodi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل رویکرد اقتصاد مقاومتی و جایگاه آن در تحقق گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عنوان یک رویکرد بومی است. اهمیت این مسئله از آنجاست که امروزه به واسطه حاکم شدن اصول و آموزه‌های رئالیسم بر نظام و روابط بین الملل، قدرت محوری یکی از عناصر کلیدی در تحقق بخشی منافع کشورها به شمار می‌آید. در این میان استفاده از قابلیت‌های اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای قدرت از سوی بازیگران بین المللی مورد استفاده قرار گرفته است. ج.ا.ایران به عنوان ارائه دهنده الگوی بومی - اسلامی با پشتوانه عمیق تجربیات فکری، عملی توانسته زمینه ثبات و تحکیم خود را به عنوان الگوی موفق به اثبات برساند. اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکرد و مدلی بر مبنای توجه به فرهنگ و ارزش‌های بومی، شرایط اقتصادی جامعه و وضعیت نظام بین الملل مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، در پی تحلیل و تشریح اقتصاد مقاومتی، گفتمان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ابزار و الزامات اتخاذ استراتژی‌های این رویکرد است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اقتصاد مقاومتی با الهام گیری از اقتصاد اسلامی با بهره‌گیری از ظرفیت و توانایی‌های افراد، ضمن نقد جریان‌ات حاکم بر جهان فعلی؛ به بعد عدالت و مالکیت بر مبنای ویژگی‌های چون: تطابق بازار و شرع، شفافیت قوی درون‌زا و برون‌زا، حاکمیت اخلاق اسلامی، هدایت و نظارت توأم دولت و ملت، بهبود وضع معیشت، عدالت محوری و تولید ثروت بر مبنای شرعی و بومی در دستور کار قرار داده است.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، تحریم‌های اقتصادی، اقتصاد اسلامی،

اقتصاد مقاومتی، الگوی اسلامی - ایرانی، بومی‌سازی.

تاریخ تأیید ۱۳/۸/۱۳۹۴

تاریخ دریافت ۱۸/۷/۱۳۹۴

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از کشورهای در حال توسعه است که از ابتدای انقلاب با ماهیتی تجدیدنظرطلب، نگرشی انتقادی نسبت به ساختارها و سیاست‌های کلان حاکم بر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی داشته است؛ از این رو غرب و در رأس آن‌ها آمریکا برای مقابله با این انقلاب ضد نظام سلطه از ابزارهای گوناگونی چون جنگ سخت در قالب تجهیز کامل و حمایت نظامی از عراق در جنگ تحمیلی، حمایت از منافقین و جدایی‌طلبان، تحریم‌های نظامی و ... استفاده کردند، به دنبال ناکامی در ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به اهداف کلان منطقه‌ای خود، اینان در آخرین گام تحریم‌های شدید مالی - اقتصادی به‌عنوان پاشنه آشیل جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقه رویکرد و راهبرد مدیریتی کشور تحت عنوان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت زده شد که به‌طور خاص از دهه ۸۰ این چشم‌انداز برای آینده طراحی شد، برای تسریع در نیل به اهداف کلان کشور در سند مذکور و تحت شرایط سیاسی - اقتصادی حاکم در داخل و خارج کشور به دنبال تحریم‌های گسترده سران غربی علیه کشور، طی جلسه‌ای با جمعی از کارآفرینان و نخبگان کشور در تاریخ ۱۶/۶/۱۳۸۹ واژه‌ای تحت عنوان اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب، برای بهبود شرایط رفاهی کشور و خنثی کردن تهدیدات مخالفان نظام در ساختار کلان سیاسی - اقتصادی ایران، مطرح گردید. این رویکرد می‌کوشد با بهره‌گیری از تمام ظرفیت و توانایی‌های افراد ضمن نقد جریان‌ات حاکم برجهان فعلی که به‌صورت افراط و تفریط به مسئله اصالت فرد و جامعه در دو قالب نظام سرمایه‌داری که تأکید جدی بر مالکیت خصوصی و فقدان حقیقتی به نام اجتماع، آزادی‌های مطلق اقتصادی را توجیه می‌کند و در سوی دیگر نظام سوسیالیستی که با طرح اصالت جامعه هرگونه مالکیت خصوصی و آزادی‌های در این باب را نقی و نقد می‌کند، هم‌زمان به بعد فردی و اجتماعی افراد توجه می‌کند و مالکیت و آزادی‌های فردی را در چارچوب منافع جامعه مبنا قرار می‌دهد (پژوهش‌های حوزه علمیه، ۱۳۸۲: ۶). از سوی دیگر از منظر اسلام پیشرفت فرآیندی مبتنی بر تغییر تدریجی، تکاملی، کوثری، جامع‌نگر و مبتنی بر حکمت است؛ بدین معنی که بستر مناسب برای به فعلیت رسیدن من فردی یا اجتماعی را میسر کند و تکامل ملکوتی افراد را هم‌زمان با پیشرفت مادی مدنظر داشته باشد. این پژوهش بر آن است به سؤالات اصلی و فرعی زیر پاسخ دهد: نقش اقتصاد مقاومتی در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟ دلایل اتخاذ گفتمان اسلامی -

ایرانی پیشرفت از سوی اندیشمندان اسلامی چیست؟ الزامات و ضروریات تحقق این گفتمان و احیای سبک زندگی اسلامی در جامعه چیست؟ به نظر می‌رسد با حاکم شدن اصل آنارشی بر مناسبات و معادلات جهان، سران استکبار در راستای مقابله با الگوی مدنظر جمهوری اسلامی ایران، آخرین گام و ابزار را در قالب، تحریم‌های اقتصادی را به اجرا گذاشتند؛ لذا با تأکید بر اصل مهم اقتصاد مقاومتی می‌توان همانند دیگر موارد این خطرات و تهدیدات داخلی و خارجی را خنثی کرد؛ از سوی دیگر به نظر می‌رسد از آن جهت که الگوهای رشد و توسعه وارداتی غرب از درون و بطن جامعه و ارزش‌های خاص آن جامعه برآمده است کارایی چندانی در دیگر جوامع نمی‌تواند داشته باشند؛ لذا اتخاذ رویکرد بومی با ارزش‌ها و آموزه‌های داخلی امری منطقی به نظر می‌رسد.

۱- چهارچوب نظری تحقیق

۱-۱- رهیافت بومی‌سازی

یکی از مناقشات پیچیده و مبهم در کشورهای جهان سوم و غیره غربی در چند دهه اخیر بحث استفاده از میراث فکری - فرهنگ و تمدنی ملهم از مدرنیته یا غرب زمین است؛ از آنجایی که در علوم طبیعی یک روش خطی وجود دارد، می‌توان مسیر توسعه و پیشرفت علمی را مشخص کرد، اما در علوم انسانی چون مفاهیم و مصادیق تفسیر بردار هستند و هر کدام از جوامع دارای یکسری ارزش‌ها، هنجارها و نوع نگرش خاص نسبت به مسائل اجتماعی - انسانی دارند، تقلید صرف برای تعیین کردن مسیر پیشرفت و توسعه امکان‌پذیر نیست (برزگر، ۱۳۸۸: ۹۱). بومی‌سازی یکی از مهم‌ترین رهیافت‌هایی است که بر همین مبنا تقریباً بعد از پایان جنگ جهانی دوم در اغلب کشورهای جهان سوم در دستور کار قرار گرفت. از آنجایی که امروزه هردو رویکرد شرق و غرب با مشکلات و معضلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ از سوی دیگر مکاتب و آموزه‌های فراوانی در خود غرب در قالب مکتب انتقادی، پست‌مدرنیسم و پساساختارگرایی تأسیس شالوده‌های اصلی جریان مدرنیته را زیر سؤال می‌برند؛ این رهیافت بیشتر از پیش برجسته‌تر شده است. رویکردی که می‌کوشد با اخذ و اقتباس نقادانه و گزینشی، دستاوردهای بشری را مطابق با ارزش‌ها و تعالیم در قالب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در بیاورد.

۱-۱-۱- هستی‌شناسی: از مفاهیمی که در همه مکاتب، آموزه‌ها و اندیشه‌های دینی و غیردینی همواره مهم تلقی شده است نوع نگاه آن‌ها به هستی است. در حقیقت اغلب اندیشمندان و تحلیل‌گران معتقدند، هستی‌شناسی شالوده اصلی هر رهیافتی را، تشکیل

می‌دهد. این کلمه که ریشه در یونان باستان دارد و از واژه وجود گرفته شده است و در پاسخ به این سؤال کلیدی است که آنچه وجود دارد چیست و چه ماهیتی دارد (حقیقت، ۱۳۹۱: ۶۷). تحلیل‌گران علوم اجتماعی معتقدند هستی‌شناسی عبارت است از نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع چیزهایی یا جوهرهایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها در روابطی اشاره می‌شود که درون حوزه خاص از معرفت و تحقیق علمی پذیرفته می‌شود (بتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۰-۲۴).

به عبارتی تحلیل و تشریح ماهیت واقعیت اجتماعی - سیاسی یا نگرش پژوهشگر جهان‌بینی‌ها درباره سرشت جهان و مؤلفه‌های آن. هر حوزه معرفت، هستی‌شناسی خاص خود را برای طبقه‌بندی و توصیف انواع چیزها و روابط یا فرآیندهایی دارد که آن حوزه معرفت با آن سروکار دارد و همین انواع چیزهاست که هستی‌شناسی در پی شناساندن آنهاست (همان: ۲۳) در این مقاله بر مبنای رهیافت بومی‌سازی به دنبال این هستیم که بدانیم هستی در نگرش اقتصاد اسلامی چیست؟ به چه دلایل باید هستی‌شناسی بومی‌سازی در این بعد مدنظر قرار گیرد؟ هستی‌شناسی اسلامی چگونه می‌تواند مبنای بومی‌سازی در بعد اقتصادی گردد.

۱-۱-۲- معرفت‌شناسی: ضلع دیگر هر رهیافتی را معرفت‌شناسی تشکیل می‌دهد. در این بعد ما به دنبال توضیح، تحلیل و تشریح مفاهیمی هستیم که در هستی‌شناسی آنها را مفروض می‌پنداشتیم؛ به این معنی که چگونه می‌توان آن مفروض‌ها را شناخت؟ درک چرایی تحول و ثبات فهم بشری از دیگر انگیزه‌های پرداختن به معرفت‌شناسی است. در معرفت‌شناسی روشن می‌شود که چگونه می‌توان درباره یافته‌های پژوهش، درباره یک حادثه یا اتفاق انسانی - اجتماعی داوری کرد (صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ۸۴) به عبارتی روشن می‌کند که چه چیزی سبب می‌شود یافته‌های یک پژوهش نسبت به یافته‌های پژوهش دیگر در همان زمینه، مناسب‌تر باشد (Harding, 1987: 3)؛ به عبارتی سؤال اصلی هستی‌شناسی چستی وجود و هستی بود اما در معرفت‌شناسی به دنبال توضیح، تحلیل و تشریح شرایط کسب شناخت درباره آنچه وجود دارد؛ به عبارتی اینکه چگونه بتوان در برابر تحلیل‌های رقیب و متعارض، از شناخت خود دفاع کنیم (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۴).

۱-۱-۳- روش‌شناسی: ضلع سوم مثلث هر رهیافتی روش‌شناسی است. روش‌شناسی به دنبال تحلیل و توضیح آن است که معرفت کسب‌شده از وجود و هستی را چگونه می‌توان به دست آورد؟ به عبارتی روش‌شناسی را ابزارهایی می‌دانند که به واسطه آنها توانایی

تحصیل شناخت و واقعیت بخشیدن به یک حادثه امکان‌پذیر می‌گردد (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۴) اغلب تحلیل‌گران روش‌شناسی را عبارت دانسته‌اند از نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش (Harding, 1987: 81) یا مطالعه توصیف، تعریف، توجیه روش‌ها نه خود روش یا به عبارتی روش‌های اجرای، ابزارها و تکنیک‌های پژوهش را در برمی‌گیرد که می‌خواهند یک معضل را حل کنند (صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ۸۱). دو بعد قبلی مقدمه‌ای برای نیل به نتایج نهایی در قالب روش‌شناسی است؛ بدین معنی که پس از توضیح و تحلیل اقتصاد مقاومتی در قالب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چطور می‌توان این ایده‌ها را عملی کرد؟ راهکارهای آن کدام‌اند؟ برنامه توسعه و پیشرفت باید چگونه و بر چه اصولی انجام گیرد؟ آیا یک مسیر و نوع نگاه خطی برای همگان وجود دارد؟

اقتصاد مقاومتی با الهام‌گیری از رهیافت بومی‌سازی با تأکید بر پویایی، سیالیت و بی‌قاعدگی در علوم انسانی، مطرح کردن جایگاه اراده و اختیار در علوم انسانی، کثرت متغیرها در علوم انسانی، غیر قابل‌اندازه‌گیری رفتار انسان‌ها، (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۸ - ۴۰)، تأثیرپذیری رفتار انسان‌ها از فکر، ایدئولوژی، جهان‌بینی، احساسات، قومیت و... قواعد و اصول موضوعه و نظریه‌های تولید علوم انسانی در غرب را حاصل تئوریزه کردن مباحث و مسائل متناسب با زیست‌بوم غربی آن‌ها می‌داند، از این رو معتقد است فهم، پیش‌بینی و ارائه یک نسخه شفاف‌بخش برای همگان عملاً غیرممکن گردیده است (برزگر ۱۳۸۶: ۲۶۷).

از سوی دیگر باید گفت که نگرش‌های حاکم بر دنیای غرب تحت نگرش‌های فرهنگی و درونی آن‌ها در قالب تحولات رنسانس و مؤلفه‌های آن، سلطه بر طبیعت مبناست؛ اما در نگرش اسلامی برعکس همه چیز حول محور توحید و معاد می‌چرخد، دنیا سازی و انسان‌مداری صرف مدنظر انسان‌شناسی اسلامی قرار ندارد و مفاهیمی چون سلطه محوری، استعمارگری، نژادپرستی و... به کلی محو می‌گردند (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۰ - ۴۲). بنابراین معتقدند که علوم اجتماعی غربی و دستاوردهای آن متأثر از شرایط تاریخی - فرهنگی خودشان بوده است قابلیت پاسخگویی نیازهای دیگر جوامع خصوصاً اسلامی را ندارد. با عنایت به موارد فوق، اقتصاد مقاومتی به دنبال استفاده اجتهادی، گزینشی از دستاوردهای بشریت در حوزه اقتصادی بر مبنای درونی کردن آن در جامعه است تا بتواند هم نواقص آن را بگیرد و هم بتواند الگو و نقشه‌ای جامع برای تداوم و پیشرفت و توسعه جامعه در شرایط بحران و تحریم‌ها ترسیم کند.